

Original Article

Conceptualization of Power Perception in Marital Relationship: A Qualitative Study

Azam Golabdar¹, PhD; Mona Cheraghi^{2*}, PhD; Alireza Mahdavian², PhD; Mansoureh Sadat Sadeghi³, PhD; Hojjatollah Farahani⁴, PhD

¹PhD of Clinical Psychology, University of Science and Culture, Tehran, Iran

²Assistant Professor, Department of Psychology, University of Science and Culture, Tehran, Iran

³Associate Professor, Department of Family Research Center, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

⁴Assistant Professor, Department of Psychology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Article Information

Article History:

Received: Aug. 28, 2023

Accepted: Oct. 04, 2023

*Corresponding Author:

Mona Cheraghi, PhD;

Assistant Professor, Department of Psychology, University of Science and Culture, Tehran, Iran

Email: mona.cheraghi@gmail.com

Abstract

Introduction: The shift in traditional family roles has led to a complex understanding of power within the family, and couple interactions have undergone significant changes. Given the lack of knowledge in this field and its culturally oriented nature, this research was conducted to elucidate the concept of power perception in Iranian couples' marital relationships and present a theoretical model.

Method: This qualitative study used data-based analysis among Iranian couples in 2022. Data were collected through semi-structured interviews (in pairs and individually) with 11 couples until data saturation was reached. Data analysis was performed using MAXQDA 20 software.

Results: This research identified 18 secondary themes, 10 main themes, and one central category consistent across both study groups. The constitutive and effective concepts on the perception of power in couples included personal sufficiency, causal attitudes, dos and don'ts, personality and demographic characteristics, growth and unconscious conflicts, and subsequent strategies of perceived power. Ultimately, improving the quality of life and confusion in marital relations were two categories obtained within the framework of the consequences of power perception. Additionally, the central category of situational power-attachment fusion was identified.

Conclusion: The results of this research demonstrated the significant impact of power perception on couples' quality of life. Given that this issue encompasses culture and society, educational measures in power perception in marital relationships are paramount and warrant further attention.

Keywords: Power perception, Marriage, Grounded theory, Qualitative research

Please cite this article as:

Golabdar A, Cheraghi M, Mahdavian AR, Sadeghi MS, Farahani H. Conceptualization of Power Perception in Marital Relationship: A Qualitative Study. *Sadra Med. Sci. J.* 2024; 12(3): 414-430.



مجله علوم پزشکی صدرا

<https://smsj.sums.ac.ir/>



مقاله پژوهشی

تبیین مفهوم ادراک قدرت در رابطه زناشویی: یک مطالعه کیفی

اعظم گلاب‌دار^۱، مونا چراغی^{۲*}، علیرضا مهدویان^۳، منصوره سادات صادقی^۴، حجت الله فراهانی^۴

دکترای روانشناسی بالینی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران
^۱استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران
^۲دانشیار، گروه روانشناسی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
^۳استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷

*نویسنده مسئول:

مونا چراغی

استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه

علم و فرهنگ، تهران، ایران

پست الکترونیکی: mona.cheraghi@gmail.com

مقدمه: امروزه تغییر در نقش‌های سنتی خانواده موجب ادراک معنای پیچیده قدرت در خانواده شده و تعاملات زوجین را دستخوش تغییرات بسیاری کرده است. پژوهش حاضر با هدف تبیین مفهوم ادراک قدرت در رابطه زناشویی زوجین ایرانی و ارائه مدل نظری آن انجام شده است.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر یک پژوهش کیفی بود که به روش تحلیل داده‌بنیاد بین زوجین ایرانی در سال ۱۴۰۱ انجام گرفت. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته (به‌صورت زوجی و فردی) با ۱۱ زوج تا مرحله اشباع داده‌ها استفاده گردید. تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار نسخه ۲۰ MAXQDA انجام شد.

یافته‌ها: بر اساس نتایج این پژوهش، ۱۸ مضمون فرعی، ۱۰ مضمون اصلی، ۱ مقوله محوری یکسان در هر دو گروه مورد مطالعه وجود داشت. مفاهیم تشکیل‌دهنده و مؤثر بر ادراک قدرت در زوجین شامل بسندگی شخصی، نگرش‌های علی، بایدها و نبایدها، ویژگی‌های شخصیتی و دموگرافیک، بالندگی و تعارضات ناهشیار و راهبردهای متعاقب ادراک شده بود. درنهایت ارتقای کیفیت زندگی و آسفتگی در روابط زناشویی دو مقوله‌ای بود که در بستر پیامدهای ادراک قدرت به دست آمد. همچنین مقوله محوری آمیختگی قدرت موقعیتی-دلبستگی شناسایی شد.

نتیجه‌گیری: از آنجایی که نتایج این پژوهش تأثیر چشمگیر ادراک قدرت بر کیفیت زندگی زوجین را نشان داد. چون این موضوع از خانواده بر فرهنگ و جامعه نیز اثرگذار است، اقدامات آموزشی درزمینه ادراک قدرت در رابطه زناشویی به زوجین حائز اهمیت و توجه بیشتر است.

کلمات کلیدی: ادراک قدرت، ازدواج، تحلیل داده‌بنیاد، مطالعه کیفی

لطفاً این مقاله را به این صورت استناد کنید:

گلاب‌دار ا، چراغی م، مهدویان ع، ر، صادقی م س، فراهانی ح. تبیین مفهوم ادراک قدرت در رابطه زناشویی: یک مطالعه کیفی. مجله علوم پزشکی صدرا. دوره ۱۲، شماره ۳، تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۴۱۴-۴۳۰.

قدرت ادراک‌شده نشان داده است که نوع ادراک قدرت می‌تواند به‌طور گسترده‌ای بر قضاوت‌های ارزیابی تأثیر بگذارد (۱۰)؛ به‌بیان‌دیگر نوع واکنش افراد نسبت به مراجع قدرت، بستگی به ادراک آن‌ها از قدرت دارد. نکته قابل توجه در این راستا، تفاوت نحوه تجربه قدرت در مردان و زنان (۱۱ و ۱۲) و اثر ادراک قدرت بین زوجین است (۱۳). مفهوم قدرت بر اساس سه مؤلفه مهم وابستگی متقابل نامتقارن، کنترل‌گری بر نتایج و روابط کارکردی-اجتماعی طبقه‌بندی می‌شود و بسته به اینکه در چه سطحی از تعامل با متغیرهای فردی باشند، می‌توانند وجوه مثبت، منفی، سازنده و مخرب قدرت را رقم بزنند (۱۴). به‌بیان‌دیگر از نظر مفهومی می‌توان قدرت را به چهار نوع سلطه‌گر که منبع قدرت در آن تلاش می‌کند تا اهداف خود را با تخریب اهداف دیگران محقق سازد؛ تعاملی وابسته که فرد قدرتمند در چهارچوب تعامل و رابطه، بر افراد سازگار اثر می‌گذارد؛ موقعیتی که مستلزم تأثیرگذاری بر دیگران از طریق موقعیت، مرتبه و یا نقش است؛ و تحول‌آفرین که در آن منبع قدرت، پتانسیل بالایی دارد و به دیگری کمک می‌کند تا او نیز ظرفیتش را گسترش دهد و خود را توانمند سازد، تقسیم کرد (۱۵).

پژوهشگران خانواده نشان داده‌اند که تعادل قدرت به‌صورت مساوی و منصفانه در میان همسران اثر مهمی بر روابط و سلامت جسمی و روانی آن‌ها (۳)، جامعه‌پذیری و شکل‌گیری شخصیت فرزندان و همچنین عزت‌نفس آن‌ها دارد (۱۶). هرچه تصمیم‌گیری‌ها مشارکتی، متعادل و افقی باشد، صمیمیت رابطه و رضایت زناشویی (۱۷)، سازگاری زناشویی (۹)، راهکارهای مقابله با استرس و مشارکت اجتماعی (۱۸) افزایش می‌یابد، و در وجه مقابل آن، تبعیض و نابرابری در خانواده به هر دو نفر، زن و مرد آسیب می‌رساند (۱۹). همچنین، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که انحراف اجتماعی در خانواده‌هایی با توزیع قدرت دموکراتیک، کمتر از انحرافات اجتماعی خانواده‌هایی با توزیع قدرت غیر دموکراتیک است (۲۰). نتایج یک پژوهش در رابطه با قدرت زوجین به نقش تفاوت‌های جنسیتی و ادراک آن‌ها از قدرت اشاره کرده است (۲۱). اورال^۴ و همکاران نشان دادند که درک قدرت کمتر در مردان، منجر به پرخاشگری علیه همسر خود می‌شود (۲۲)، این در حالی است که درک قدرت کمتر در زنان طبق مطالعه هالورون^۵ در جامعه آمریکا، منجر به افسردگی آن‌ها می‌شود (۲۳). برخی

خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، نقش‌ها و کارکردهای مختلفی دارد و می‌تواند با ایجاد آرامش، نقش مثبتی داشته باشد یا با ایجاد آسیب اجتماعی، جنبه منفی به خود بگیرد (۱). در واقع چرخه زندگی خانوادگی شامل مفاهیم و فعالیت‌هایی است که تغییرات روابط، نقش‌ها و وضعیت اعضای خانواده را در طول زندگی نشان می‌دهد که به‌مرورزمان، با تحولات اجتماعی و فرهنگی، شکل و حرکت جدیدی به خود می‌گیرد و همین امر سبب می‌شود تا ماهیت عملکردی خانواده از خصیصه‌های پویا و تغییرپذیری برخوردار باشد (۲). در این بین کیفیت روابط زناشویی^۱، نقش تعیین‌کننده‌ای در بهداشت روان خانواده ایفا می‌کند. روابط زناشویی پایدار و رضایت‌بخش می‌تواند سبب ایجاد نتایج مثبت از جمله سلامت روان‌شناختی و جسمانی در اعضای خانواده شود و رشد و سلامتی آن‌ها را ارتقا دهد (۳). از آنجاکه تغییر در نقش‌های سنتی خانواده موجب ارائه معنای جدید و پیچیده‌ای در قدرت خانواده شده است، تعامل میان زوجین دستخوش تغییرات بسیاری گردیده (۴) و توجه به توزیع ساختار قدرت اهمیت بسیار بالایی یافته است (۵). ویشمن و جاکوبسن^۲ این تغییرات را فرایندی محوری در تعاملات خانواده معرفی کرده‌اند (۶). در واقع، یکی از وظایف مهم خانواده مشخص کردن قواعد و سلسله‌مراتب جایگاه افراد و پایگاه اول و دوم قدرت است که در صورت عدم تحقق آن، کشمکش در جهت تصریح مواضع قدرت در سلسله‌مراتب خانواده ایجاد می‌شود (۳). ادراک افراد از قدرت^۳ و سلسله‌مراتب آن در خانواده، عنصر مهمی است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر پویایی تعارض در روابط تأثیر می‌گذارد (۷).

در همین راستا، قدرت از منابع مختلفی مانند ثروت، توانایی فیزیکی، شهرت، ارتباطات اجتماعی و دسترسی به امکانات رفاهی و موفقیت‌های فردی و خانوادگی ناشی می‌گردد. در واقع، معنای قدرت در رابطه زناشویی با معنای عام قدرت که به توانایی کنترل رفتار سایر افراد به‌رغم میل آن‌ها اشاره دارد، متفاوت است. این مفهوم معطوف به تعاملات زوجین در تصمیم‌گیری‌ها است و به محوریت و نقش تعیین‌کننده زوجین در مورد هزینه‌ها، خرید امکانات، تربیت فرزندان، تعاملات بین فردی و خانوادگی و حل مسائل عاطفی اشاره دارد (۸ و ۹). مطالعه‌ای در زمینه

1. Quality of Marital Relations

2. Whisman & Jacobson

3. Power Perception

4. Overall

5. Halloran

زمینه‌ای یک روش تحقیق کیفی است که از یک سری روش‌های سیستماتیک برای ایجاد یک نظریه مبتنی بر استقرا در مورد یک پدیده استفاده می‌کند و در آن یافته‌های تحقیق مبتنی بر آرایش نظری واقعیت است، نه مجموعه‌ای از ارقام یا مجموعه‌ای از مواد که به یکدیگر متصل هستند. تأکید اساسی در این روش بر رویه‌هایی است که فرا رشته‌ای و فرامحور هستند (۲۹)؛ به عبارت دیگر در نظریه زمینه‌ای، تحقیق هرگز از یک نظریه مشخص که بعد از آن باید به اثبات برسد، شروع نمی‌شود، بلکه پژوهش از یک حوزه مطالعاتی آغاز می‌گردد و نظریه از دل آن مطالعه بیرون می‌آید.

جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی زوجین ایرانی در سال ۱۴۰۱ بودند.

حجم نمونه

حجم نمونه به روش نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر گوناگونی و سپس نمونه‌گیری نظری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرد و پس از تحلیل مصاحبه ۱۱ زوج یعنی ۲۲ مرد و زن، نمونه‌گیری متوقف شد.

معیارهای ورود و خروج

معیار ورود افراد شامل تأهل و زندگی و ارتباط در کنار یکدیگر، داشتن حداقل ۱۸ سال سن و داشتن سن ازدواج بیش از یک سال در نظر گرفته شد. همچنین زوجینی که هم‌زمان با انجام پژوهش، خدمات مشاوره و روانشناسی دریافت می‌کردند از نمونه خارج شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها

داده‌های این پژوهش، داده‌های کیفی و مبتنی بر مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته بود. با توجه به شرایط شیوع کووید-۱۹، مصاحبه‌ها به صورت مجازی صورت گرفت. ابتدا پوستر مرتبط با فراخوان شرکت در پژوهش داخل گروه‌های مجازی شهرهای مختلف کشور قرار گرفت و زوجینی که اعلام آمادگی کردند، مورد بررسی قرار گرفتند. پس از اطمینان دادن به زوجین از محرمانه بودن اطلاعات، اجازه ضبط مصاحبه‌ها از مشارکت‌کنندگان اخذ شد. پس از آن نیز برخی اطلاعات جمعیت‌شناختی افراد مانند جنس، سن، تحصیلات، شغل، مدت‌زمان ازدواج و تعداد فرزند ثبت گردید.

از پژوهش‌های داخلی نیز به مطالعه قدرت در ساختار خانواده از زاویه دید منابع اسلامی به این موضوع پرداخته‌اند (۲۴ و ۲۵). نتایج پژوهشی نشان داد که در زوجین ایرانی، فرد ضعیف سعی می‌کند در تعارضات زناشویی سازش کند (۲۶)، درحالی‌که در مطالعه‌ای دیگر در جامعه چینی شکاف قدرت و درک از قدرت در روابط زناشویی تأثیری بر کاهش تعارضات زناشویی ندارد (۲۷). در پژوهش بریزسنیاک و ویسمن^۶ نیز هیچ مدرکی برای تأثیر تعدیل‌کننده اشکال مختلف قدرت زناشویی در افزایش یا کاهش رضایت زناشویی و کاهش تعارضات یافت نشده است (۲۸).

به نظر می‌رسد مطالعات حول مفهوم قدرت در تعاملات زوجین در ایران از چند جنبه خلأ پژوهشی دارد و نیازمند بررسی بیشتر است. در سال‌های اخیر جامعه ایرانی و بالطبع خانواده ایرانی تغییراتی فرهنگی نموده است، ولی تاکنون پژوهشی روان‌شناختی در جهت درک عمیق ماهیت قدرت و ادراک آن در تعاملات زوجین، چرایی و چگونگی این ادراک و اثر آن بر چرخه تعاملی زوجین از منظر هر دو جنس مرد و زن صورت نگرفته است. بر این اساس، مطالعه‌ای کیفی و متمرکز بر بافت فرهنگی ایران با تأکید بر هر دو نفر (زن و مرد)، در مفهوم‌بندی بهتر این سازه در بستر خانواده و تعاملات زوجین و چرخه تعاملی آن‌ها بسیار ضروری است؛ بنابراین این پژوهش با مطالعه عمیق مفهوم ادراک قدرت در بین زوجین، به دنبال جواب این سؤال است که ادراک مفهوم قدرت در رابطه زناشویی در ساختار تعاملی زوجین ایرانی چه اثری دارد؟

مواد و روش‌ها

طرح تحقیق

این پژوهش از جمله مطالعات بنیادی، از نوع کیفی است که پژوهشگر برای درک لایه‌های عمیق موضوع، داده‌های آن را به روش داده‌بنیاد (گرنند تئوری^۷)، نظریه برخاسته از داده‌ها یا نظریه زمینه‌ای) به سبک پیشنه‌ادی کوربین و استراوس^۸ مورد تحلیل قرار داده است (۲۹). به عبارتی، با هدف بررسی تجارب عمیق زوجین ایرانی در مورد مفهوم قدرت و نحوه ادراک آن و ساختار قدرت و شرایط و عوامل مؤثر بر آن، از روش کیفی نظریه داده‌بنیاد استفاده شد. نظریه

6. Breznsnyak & Whisman

7. Grounded Theory

8. Corbin & Strauss

روند اجرای پژوهش

استخراج گردید. در این راستا، کوربین و استراوس (۲۹) برای دستیابی به مدل مفهومی بر اساس روش داده بنیاد، چهار مرحله پیشنهاد داده‌اند که تحلیل داده‌ها در این پژوهش بر اساس آن انجام گرفت.

در ابتدا کدگذاری باز (اولیه) و توسعه مقوله‌ها بر اساس ویژگی‌ها و ابعاد انجام گرفت.

در گام دوم برای سازمان دادن به نتایج و شکل‌گیری نظریه، به تحلیل داده‌ها برای زمینه پرداخته شد.

گام سوم، تحلیل فرایند است که بخش مهم رویکرد نظریه داده‌بنیاد با الگوی تحلیل کوربین و استراوس (۲۹) است و در آن توجه محقق به کنش‌ها/کنش‌های متقابل در طول زمان معطوف می‌شود تا بتواند چگونگی تغییر یا ثبات این کنش/واکنش‌ها را دریابد. در پژوهش حاضر نشانه‌های موجود در داده‌ها که دال بر بروز تغییری در شرایط اجرای مطالعه بودند، پیگیری و تغییرهای همخوان با آن‌ها در کنش‌ها و کنش‌های متقابل شناسایی شدند.

در گام آخر پژوهش اولین اقدام، یکپارچه‌سازی مقوله‌ها بود، یعنی تعیین مقوله محوری که بیانگر مضمون اصلی پژوهش است. هم‌زمان با کشف مقوله محوری، مفصل‌های نظریه به تدریج نمایان شد و با تکمیل داده‌ها به صورت تجمعی، ارتباط این مفصل‌ها بازنمایی گردید. درنهایت با اشباع و انسجام نظری مناسب داده‌ها، نظریه پژوهش پیرامون ادراک قدرت زوجین در رابطه زناشویی به دست آمد.

تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA انجام شد.

ملاحظات اخلاقی

قبل از اجرای پژوهش اقدامات لازم جهت گرفتن کد اخلاق از پژوهشگاه رویان جهاد دانشگاهی تهران با شناسه (IR.ACECR.ROYAN.REC.1400.166) انجام گردید. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، در آغاز مصاحبه برای اطلاع مصاحبه‌شوندگان از هدف پژوهش و روش مصاحبه، و اطمینان از محرمانه بودن اطلاعات توضیحات کاملی ارائه گردید. همچنین حق شرکت یا عدم شرکت در مطالعه برای نمونه‌ها آزاد بود و از مصاحبه‌شوندگان رضایت آگاهانه برای حضور در روند پژوهش اخذ گردید. زمان مصاحبه نیز با هماهنگی و توافق آن‌ها مشخص شد تا اختلالی در زندگی روزانه آن‌ها رخ ندهد. اصل رازداری و محرمانه بودن تمامی اطلاعات در هر مرحله از پژوهش به‌طور دقیق رعایت شد.

ابتدا گردآوری داده‌ها با دو نمونه آغازین^۹ شروع شد. پژوهشگر ابتدا یک زوج واجد شرایط را انتخاب نمود و مصاحبه با آن‌ها انجام گرفت. سپس به کدگذاری و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با آن‌ها پرداخت. بر اساس مفاهیم به دست آمده با توجه به خلأهای موجود در یافته‌ها، سؤالات راهنمای مصاحبه و چگونگی شناسایی و نام‌گذاری کدهای اولیه، ارزیابی مجدد شد. سپس مصاحبه زوج دوم و کدگذاری آن نیز به همین ترتیب انجام گرفت، با حصول اطمینان از کافی بودن محتوا و نوع گفتگوها، فراخوان و مصاحبه‌های پژوهش شروع گردید.

ابتدا با انتشار اطلاعیه‌ای از زوج‌های واجد شرایط، جهت شرکت در پژوهش دعوت به عمل آمد و سپس مصاحبه عمیق غیر جهت‌دار و نیمه‌ساختاریافته با هر دو (زن و مرد) انجام شد و زوجین بر اساس ملاک‌های ورود و خروج، به صورت آگاهانه و با رضایت شخصی، جزء گروه نمونه و مشارکت‌کنندگان پژوهش قرار گرفتند. جلسات مصاحبه به صورت آنلاین توسط پژوهشگر و با هر دو همسر (به صورت زوجی و فردی) برگزار گردید. هر مصاحبه به‌طور میانگین حدود ۱۳۰ دقیقه به طول انجامید. همچنین به منظور ارزیابی عینیت داده‌ها در پژوهش حاضر، از اصول اعتمادپذیری یعنی مقایسه مستمر با داده‌های دیگر و سایر پاسخگویان، تلاش برای خودآگاهی و دور ماندن از تعصبات شخصی و از دست ندادن عینی بودن در ارتباط با شرکت‌کنندگان، بازبینی مشارکت‌کنندگان و چک کردن با شخص منبع داده، بازبینی همکاران در تحلیل داده‌ها و کدگذاری، استفاده شد. با رعایت اصول امانت‌داری و حفظ اطلاعات شرکت‌کنندگان، از ضبط کردن مصاحبه‌ها و دست‌نویس کردن دقیق آن‌ها برای رسیدن به پایایی پژوهش استفاده شد. در جهت حفظ حساسیت نیز پژوهشگر تلاش کرد تا با غور در داده‌ها و یکی شدن با آن‌ها، به روشی شهودی برای یافتن معانی و مفاهیم دست یابد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

ابتدا مصاحبه‌های ضبط شده به همراه یادآورها عیناً و با دقت تایپ شد. سپس چندین بار مطالعه گردید تا فرآیند غرق شدن در اطلاعات رخ دهد، و بعد کدگذاری آغاز شد. از یادآورها جهت پرسش از خود مصاحبه‌شونده در طی آن مصاحبه و یا پرسش از نمونه بعدی جهت شفافیت و عمق دادن به موضوع استفاده گردید و در طی مراحل کدگذاری و تدوین، و طراحی مدل داده‌بنیاد، مقولات مرتبط و نظریه پژوهش

یافته‌ها

کدهای مشابه و طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها، ۵۹ مفهوم اولیه در نمونه مربوط به زنان و ۵۸ مفهوم اولیه در نمونه مربوط به مردان و در کل ۶۰ مفهوم اولیه به‌دست آمد که حاصل طبقه‌بندی آن‌ها، ۱۸ زیر مقوله، ۱۰ مقوله اصلی و یک مقوله محوری یکسان و مشابه در هر دو گروه مورد مطالعه بود. از مفاهیم تشکیل‌دهنده ادراک قدرت، مقوله‌های اصلی بسندگی شخصی و نگرش‌های علی بودند که با زیرمقوله‌های عوامل عاطفی، مهارت‌های درون فردی، مهارت‌های بین فردی، نتیجه‌گرایی، دید منفی نسبت به تحکم و اجبار و ضرورت احترام به آزادی و استقلال از مصاحبه‌ها به‌دست آمد (جدول ۲).

میانگین سنی زنان مشارکت‌کننده ۴۱/۵ و مردان مشارکت‌کننده ۴۲/۳۶ بود. حداقل مدرک تحصیلی آن‌ها سیکل و بالاترین مدرک تحصیلی دکتری بود. از نظر وضعیت اشتغال زنان، هشت نفر از آن‌ها خانه‌دار و سه نفر کارمند بودند. همچنین، سه نفر از مردان شرکت‌کننده با شغل آزاد و هشت نفر کارمند بودند. مدت‌زمان ازدواج مشارکت‌کنندگان بین ۴ تا ۴۵ سال در نوسان بود و به جز دو زوج که فاقد فرزند بودند، ۹ زوج باقی‌مانده حداقل یک فرزند داشتند (جدول ۱).

در پژوهش حاضر داده‌های حاصل از اجرای ۲۲ مصاحبه (۱۱ زن و ۱۱ مرد)، بعد از ادغام و حذف

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل	مدت‌زمان ازدواج	تعداد فرزند	شهر
زوج اول	زن	۵۵	دیپلم	خانه‌دار	۱۹ سال	دو فرزند	اصفهان
	مرد	۵۹	کارشناسی	آزاد			
زوج دوم	زن	۳۰	کارشناسی	کارمند	۴ سال	بدون فرزند	لنگرود
	مرد	۳۰	کارشناسی	آزاد			
زوج سوم	زن	۳۵	دکتری	کارمند	۱۶ سال	یک فرزند	تهران
	مرد	۴۲	کارشناسی	کارمند			
زوج چهارم	زن	۴۰	ارشد	خانه‌دار	۱۷ سال	دو فرزند	اهواز
	مرد	۴۶	ارشد	کارمند			
زوج پنجم	زن	۳۶	کارشناسی	خانه‌دار	۶ سال	یک فرزند	تهران
	مرد	۳۵	دیپلم	کارمند			
زوج ششم	زن	۳۴	کارشناسی	کارمند	۸ سال	بدون فرزند	آستانه اشرفیه
	مرد	۳۵	کارشناسی	کارمند			
زوج هفتم	زن	۴۰	دیپلم	خانه‌دار	۲۰ سال	دو فرزند	تهران
	مرد	۴۴	دیپلم	آزاد			
زوج هشتم	زن	۳۶	ارشد	خانه‌دار	۱۰ سال	یک فرزند	اصفهان
	مرد	۳۸	ارشد	کارمند			
زوج نهم	زن	۴۵	دیپلم	خانه‌دار	۳۱ سال	سه فرزند	اصفهان
	مرد	۵۳	کارشناسی	کارمند			
زوج دهم	زن	۴۵	فوق دیپلم	خانه‌دار	۱۷ سال	دو فرزند	اهواز
	مرد	۴۸	دیپلم	آزاد			
زوج یازدهم	زن	۶۱	سیکل	خانه‌دار	۴۵ سال	چهار فرزند	تهران
	مرد	۷۱	دیپلم	کارمند			

جدول ۲. نمایش کلی یافته‌های پژوهش در قالب مضامین اصلی و فرعی ادراک قدرت در زوجین

مقوله اصلی	زیر مقوله	مفاهیم اولیه
بستگی شخصی	عوامل عاطفی	مورد عشق همسر بودن
		نوازش‌گری عاطفی
		احترام
		دانش و تخصص
	مهارت‌های درون فردی	توانایی اقناع
		خردورزی
		گرداندگی
		تصمیم‌گیری بهنگام
		خبرگی و کارآزمودگی
		مشارکت
مهارت‌های بین فردی	مشورت‌پذیری	
	هم‌سخنی	
	نفوذ بین فردی	
	نتیجه‌گرایی	
نگرش‌های علی	نگرش‌های علی	دید منفی نسبت به تحکم و اجبار
		ضرورت احترام به آزادی و استقلال
		جنسیت سالاری فرهنگی
		نقش‌های جنسیتی در فرهنگ
بایدها و نبایدها	فرهنگ	ارزش‌های دینی پیرامون قدرت
		الگوی قدرت والدینی
		تجربه زیسته از قدرت خود در خانواده مرکزی
		وجود فرزندان
ویژگی‌های شخصیتی	ناپختگی	خودمحوری
		تقابل
	استواری	سلطه‌گری/ سلطه‌پذیری
		اطمینان به خود
ویژگی‌های دموگرافیک	ویژگی‌های دموگرافیک	حمایت‌پذیری
		مسئولیت‌پذیری
		میزان تحصیلات
		سن
		وضعیت اشتغال
		جنسیت

بالندگی	رشدیافتگی روان‌شناختی	ایثارگری و بخشش
	فعالیت اجتماعی	انعطاف‌پذیری روان‌شناختی
تعارضات ناهشیار	تعارضات ناهشیار	فعالیت اجتماعی
		دوسوگرایی
		پذیرش ناخودآگاه مردسالاری
		در خود فرورفتن
		تلافی‌جویی
	کنش‌های مخرب	دوری‌گزینی
		رفتارهای تکانه‌ای
		سرزنش‌گری خود/دیگری
راهبردهای متعاقب قدرت ادراک‌شده		احساسات منفی نسبت به خود و همسر
		احساس مثبت و ابراز آن‌ها
		سکوت‌سازنده
	کنش‌های سازنده	مهربانی
		گفتگوی درونی خودمتمقاعدساز
		دلجویی و قدردانی از همسر
		ناخرسندی از همسر
	تعارض و سردی عاطفی	دل‌زدگی زناشویی
		جدال
آشفته‌گی در روابط زناشویی	واماندگی	درماندگی و ناامیدی
		عدم توازن در عزت‌نفس زوجین
		شکل‌گیری خلق افسرده
	همسازی	عدم تعارض پیرامون نابرابری قدرت
		احساس شعف از واگذاری قدرت
ارتقای کیفیت رابطه زناشویی	آرامش‌گیری	رضایت از رابطه زناشویی
		صمیمیت زناشویی
		بالندگی مشارکت زوجی

مسئله اهمیت می‌دیم که گاهی به دلیل عشقی که به هم داریم قدرت رو به همدیگه بدیم و حتی از حق خودمون در این زمینه بگذریم». یکی دیگر از موارد بیان شده در مصاحبه‌ها، مهارت‌های درون فردی بود. اگر یکی از زوجین بتواند صلاحیت خود را با مهارت‌های مختلف و اقدامات سازنده به همسرش اثبات کند، نه‌تنها مدیریت رابطه را در اختیار خواهد گرفت بلکه برای دریافت قدرت در

عوامل عاطفی یکی از مواردی بود که بارها توسط زوجین در مصاحبه بیان شد. اهمیت و توجهی که زنان و مردان از روی عشق و احترام نسبت به یکدیگر قائل‌اند، عاملی است که الگوی قدرت ارتباطی آن‌ها را شکل می‌دهد. زنان و مردان متأثر از این عوامل عاطفی، قدرت یکدیگر را می‌پذیرند و با میل قلبی دیگری را در امورات مختلف زندگی و مدیریت آن سهیم می‌کنند. به عنوان نمونه، این عبارت: «خیلی به این

زمانی که نگرش حاکم بر رابطه زناشویی توأم با احترام به آزادی یکدیگر و حفظ استقلال فردی باشد، حتی اگر همسری نسبت به طرف مقابل از قدرت ادراک کم‌تری برخوردار است، باز هم از الگوی توزیع قدرت و احتمال پذیرش قدرت طرف مقابل رضایت دارد. یک مثال: «بیشتر هم می‌دونم که لجبازی من به‌خاطر این بودش که استقلال خودمو داشته باشم بود خب، ولی وقتی توی تعامل‌هایی که باهم داشتیم برخوردهایی که داشت متوجه شدم اون جووری نیستش... آگه از اون تیپ آدم بود قطعاً من هم لجباز بودم و هم خیلی مواقع کارهایی که خودم دوست داشتم انجام می‌دادم و تهش هم به این فکر می‌کردم که داره استقلال منو می‌گیره و من نمی‌خوام اجازه بدم که همچین اتفاقی بیفته».

از بیانات مصاحبه‌شوندگان، شرایط زمینه‌ای ادراک قدرت در زوجین با دو مقوله اصلی بایدها و نبایدها و ویژگی‌های شخصیتی با زیرمقوله‌های فرهنگ خانواده، ناپختگی و استواری به‌دست آمد:

زیرمقوله فرهنگ یکی از مواردی بود که بارها توسط زوجین در مصاحبه‌ها بیان شد. بستر فرهنگی‌ای که زوجین در آن رشد کرده‌اند و نوع دیدگاه‌های وابسته به آن تا حد زیادی کنش‌ها و واکنش‌های آن‌ها را نسبت به الگوی قدرت ادراکی در رابطه زناشویی‌شان مشخص می‌کند: «خب می‌گم شاید مثلاً ما از بچگی این‌طوری یاد گرفتیم که انگار مرد باید قدرتش بیشتر باشه. ذهنیت‌های غلط شاید از جامعه باشه ولی این‌طوری بوده. شاید ناخواسته اصلاً این اتفاقه میفته». از طرفی تجربه افراد از الگوی قدرت والدین و دیدگاه خانواده‌ای که در آن رشد کرده‌اند، نسبت به الگوی مناسب قدرت در روابط زناشویی، نقش فرزندان در خانواده کنونی و تجربه زیسته هر یک از زوجین از قدرت فردی در خانواده مرکزیشان، در مورد اینکه این افراد چه نوع الگوی قدرتی را برای خود مناسب می‌دانند، نقش بسزایی دارد. همسران تلاش خواهند کرد که آن الگو را در روابط زناشویی خود پیاده کنند. مثلاً: «من خودم توی خانواده‌ای بزرگ شدم که این شکلی بوده و می‌دونم که بهتره مرد بیرون و زن درون خانواده صاحب قدرت باشه».

زیرمقوله ناپختگی از موارد دیگر مطرح‌شده در مصاحبه‌ها بود. این زیرمقوله به ویژگی‌های ناسازگارانه شخصیتی‌ای اشاره دارد که می‌تواند با اثر نامطلوبی که بر تعامل زوجین دارد، بر ادراک قدرت آن‌ها اثر منفی بگذارد. یک نمونه: «من تو موضوعاتی که

موقعیت‌های مختلف شانس بسیار بیشتری خواهد داشت، برعکس در صورتی که زن یا مرد به طرف مقابل خود اعتماد نداشته باشد و اعتباری برای او قائل نباشد، احتمال واگذاری قدرت به وی به دلیل ترس از خراب‌شدن اوضاع کاهش می‌یابد. در نتیجه وجود مهارت‌های درون‌فردی می‌تواند زمینه درک قدرت در رابطه زناشویی را رقم بزند. مثال: «من بدونم توی یه موقعیتی تجربش رو نداره یا تخصصش رو نداره قدرتش رو نمی‌پذیرم و اونم تقریباً همین‌طوره».

از موارد دیگر بیانگر ادراک قدرت زوجین، مهارت‌های بین‌فردی بود. داشتن مهارت‌های بین‌فردی که از توانایی گفتگو و همفکری نشئت می‌گیرد، بر رشد شخصی طرفین رابطه و درنهایت شکل‌گیری یک الگوی قدرت مشارکتی که مورد رضایت هر دو طرف است تأثیر دارد. مثلاً این گفته: «همسرم در مورد چیزایی مثل قرض دادن به بقیه یا کمک کردن مالی یا خرید بعضی وسیله‌ها با من مشورت می‌کنه و نظرم رو می‌پرسه، فرقی نمی‌کنه چه در مورد خانواده خودش، چه خانواده من یا حتی دوستاش».

نتیجه‌گرایی را هم می‌توان در اظهارات شرکت‌کننده ۷ یافت. «واقعیتش خب قدرت رو آدم دوست داره. کسی نمی‌خواد بدون قدرت باشه ولی ما بیشتر هم خداییش سعی می‌کنیم که یه خرده باهم تعامل کنیم، بدون اینکه به هم زور بگیریم روی مدیریت مسائل مختلف طوری تقسیم وظیفه کنیم که بدون فشار بتونیم بیشترین سود رو به دست بیاریم، آخرش به یه نتیجه پنجاه و پنجاه که هر دو طرف راضی باشن برسیم».

دید منفی نسبت به تحکم و اجبار از دیگر مفاهیم مربوط به ادراک قدرت زوجین بود. مشارکت‌کنندگان این پژوهش، تأکید داشتند که قدرتی قابل پذیرش و زیبنده رابطه زناشویی است که فارغ از هرگونه تحکم و اجبار باشد. شرکت‌کنندگانی که همسر آن‌ها با تحکم و اجبار برخورد می‌کرد، الگوی متفاوتی از توزیع قدرت را ادراک می‌کردند و از نحوه توزیع قدرت ناراضی بودند. به عنوان مثال: (همسرم) پافشاری روی چیزی بکنه حتی آگه اون اشتباه باشه، همه هم برگردن بگن این اشتباهه، کار خودشو می‌کنه، اونوقت مجبور میشی قبول بکنی، این که قدرت نیست. من همش میگم باید از زور دوری کنیم اگر تصمیمی خوبه خب همدیگه رو متقاعد کنیم.

ضرورت احترام به آزادی و استقلال نیز از مواردی بود که بارها توسط زوجین در مصاحبه‌ها بیان شد.

زیرمقوله فعالیت اجتماعی را نیز می‌توان در اظهارات شرکت‌کننده ۹ یافت. مثلاً: «خب ایشون با اینکه بازنشسته هستن همیشه به دلیل یه سری مسائل بیشتر بیرون، بیشتر تو جامعه بیرون، تجربشون همیشه بیشتر بوده و حرفشون اوله».

از دیگر موارد مداخله‌گر مربوط به ادراک قدرت زوجین دوسوگرایی بود. دوسوگرایی در سپردن قدرت ویژگی‌ای بود که برخلاف عدم تأیید مستقیم شرکت‌کنندگان، در حین مصاحبه و گفتگو قابل تشخیص بود. برخی از مصاحبه‌شوندگان، الگوی قدرت پذیرفته‌شده از جانب خودشان را در زمان‌های مختلف زیر پا می‌گذاشتند و گویی از آن الگو پشیمان می‌شدند و کنش‌های مخربی در مقابل الگوی قدرت توزیعی نشان می‌دادند. در واقع، می‌توان گفت که این عامل به‌عنوان یک عامل مداخله‌گر مکنون توانسته با ایجاد نوعی سردرگمی در همسران، کنش‌های بعدی نسبت به الگوی قدرت را تحت تأثیر قرار دهد. یک مثال: «من گاهی قدرت رو میدم و گاهی نمیدم. خب همین فکر کنم براش ابهام ایجاد کرده. من این شکلی هستم دیگه».

پذیرش ناخودآگاه مردسالاری نیز یکی از مواردی بود که برخی از زنان مطالعه بیان می‌کردند. برخی از زنان با وجود اینکه به تناوب نسبت به قدرت بیشتر مردان در رابطه اظهار ناراحتی می‌کردند و آن را تقبیح می‌نمودند، اما برخی بیانات و نحوه عملکرد آن‌ها در رابطه، نشان از پذیرش این قدرت بیشتر مردان بود. در واقع، به نظر می‌رسد نوعی پذیرش و همراهی با دیدگاه مردسالاری در زنان بر کنش‌های آن‌ها تأثیر دارد که متقابلاً بر واکنش‌های همسر نیز مؤثر است. به‌عنوان نمونه: «بالاخره مرد قدرتش زیادتر از زن می‌شه... زن شاید بتونه با مساوی نبودن قدرت کنار بیاد ولی مردا سخت‌تر کنار میان».

زوجین در رابطه با ادراک قدرت، راهبردهایی مانند احساس مثبت و ابراز آن و دلجویی و قدردانی از همسر را به کار می‌گرفتند. این راهبردها در دو دسته کنش‌های مخرب و کنش‌های سازنده طبقه‌بندی شد. در برخی از مصاحبه‌شوندگان متأثر از شرایط زمینه‌ای و مداخله‌ای، الگوی قدرت جاری با الگوی قدرت ایده‌آل آن‌ها همخوانی نداشت و به همین دلیل در رابطه، کنش‌های مخربی نظیر سرزنش‌گری، تلافی‌جویی و دوری‌گزینی را تجربه می‌کردند. این افراد نسبت به قدرت حاکم بر روابط خود دید منفی داشتند و بر این باور بودند که هیچ تناسب و همخوانی با قدرت

می‌بینم یه موضوعی پیش میاد، مثلاً عقاید خودمو تو اون موضوع می‌گم، بهش می‌گم مثلاً نظر من اینه، درست نیست، بهتره اینو ادامه ندیم یا بهتره اینو اینجوری مدیریت بکنیم، این بحران رو اینجوری حل بکنیم، وقتی می‌بینم که با وجود اینکه من دارم زبانا عملاً بهش نشون میدم که این موضوع داره منو عذاب می‌ده، باعث رنجش من میشه، من دوست دارم که این اینجوری مدیریت بشه، این مشکل اینجوری حل بشه و می‌بینم اون باز نظر خودش رو داره».

استواری را نیز می‌توان در اظهارات شرکت‌کننده ۵ یافت: یک نمونه: «من به اصطلاح زمین و زمان رو به هم می‌ریزم به قول معروف گفتنی کاری می‌کنم نهایت تلاشمو می‌کنم تا یه زندگی خوبی برای ایشون آماده کنم».

عوامل مداخله‌گر و تسهیل‌گر مستخرج از تجارب مشارکت‌کنندگان در رابطه با ادراک قدرت زوجین، ۳ مقوله اصلی ویژگی‌های دموگرافیک، بالندگی و تعارضات ناهشیار بود که ویژگی‌های دموگرافیک، رشدیافتگی روان‌شناختی، فعالیت اجتماعی، دوسوگرایی و پذیرش ناخودآگاه مردسالاری را شامل می‌شد.

ویژگی‌های دموگرافیک زوجین مانند شغل و سطح تحصیلات هر یک و تفاوتی که با یکدیگر دارند، فاصله سنی و از همه مهم‌تر جنسیت طرفین، بر نوع قدرت مطلوب زوجین تأثیرگذار است. مثلاً: «اگر بریم تو چهره، مرد خشن‌تر، همچین با این حالت، سیستم کاری بیشتری رو داره، خانم لطافت، زیبایی، نرمی و امثال اینا، همینطور که این نسبت هست، دو تایش که بیاد پهلوهم، اون صد در صد رو داره به وجود میاره». یکی از عوامل مداخله‌گر دیگر در ادراک قدرت زوجین رشدیافتگی روان‌شناختی بود. این زیرمقوله در نوع کنش/واکنش و انتخاب راهبردهای افراد نسبت به الگوی ادراکی قدرت مؤثر بود؛ به‌طور مثال، افراد با ویژگی‌های ایثار و بخشندگی و انعطاف می‌توانستند کنش سازنده‌تری در مقابل الگوی قدرت ادراکی که در رابطه با همسر تجربه می‌کردند، نشان دهند حتی اگر این الگو به‌طور کامل برایشان مورد پسند نبود. به‌عنوان مثال: «خب مثلاً من خیلی تمایل دارم که پیام تهران، خب بعد برای همسرم واقعاً سخته قبول این شرایط ولی با این حال به دلیل راحتی ما این رو می‌پذیره و اجازه میده که اینجا ما تصمیم بگیریم که بریم یا نریم و اینکه مثلاً چقدر بمونیمو باز میذاره به عهده خودمون».

وقتی اینطوریه صحبت نمی‌کنم. قهر نه ولی عاطفی درگیری می‌شم. الان کلاً یه جوری فاصله گرفتیم مدت زیادیه ولی متوجه نیستیم».

از دیگر موارد بیان شده نیز واماندگی بود. یک نمونه: «خیلی تلاش کردم تغییر ایجاد کنم ولی نشد. الان یه جوری ناامید شدم... دیگه دیدم اصلاً این داره یه چالشی می‌شه. الان تو خیلی از تصمیمات ریز و درشتمون دیگه اصلاً بیخیال شدم».

یکی دیگر از موارد بیانگر پیامدهای ادراک قدرت زوجین همسازی بود. مثلاً: «بین تو اون مواردی که خب رضایتش برام مهمه؛ یعنی دوست دارم کاری که دوست داره انجام بده، از موضع قدرت خودم میام پایین، وقتی می‌بینم خوشحاله راضیم؛ یعنی منم خوشحالم. از خوشحالی اون خوشحال می‌شم».

آرامش‌گیری نیز از دیگر پیامدهای ادراک قدرت در زوجین بود. به عنوان مثال: «من از این وضعیت رضایت دارم. خب قدرت اونطوری که باید باشه هست و من گاهی میدم قدرت رو به همسر و اونم گاهی به من میده. ما همدیگه رو خیلی می‌پذیریم و همین باعث صمیمیتمون شده».

درنهایت مدل نظری این پژوهش با محوریت «آمیختگی قدرت موقعیتی - دلبستگی» شکل گرفت: در قدرت مبتنی بر موقعیت، فرد با توجه به شرایط و موقعیت و نیز ویژگی‌های همسر مانند برخورداری از دانش، مهارت و تخصص کافی در آن موقعیت، قدرت را به وی واگذار می‌کند. به بیان دیگر، فرد قدرت را به همسر واگذار می‌کند، چون اطمینان دارد به بهترین شکل می‌تواند آن موقعیت را مدیریت نماید و مطلوب‌ترین نتیجه را به دست آورد. این مسئله هم در مردان و هم در زنان در شرایط مختلف مشاهده می‌شد و در تعامل با یکدیگر بر آن تکیه داشتند.

باین‌حال، صرف قدرت مبتنی بر موقعیت، توجیه‌کننده مقوله محوری الگوی قدرت حاکم بر روابط شرکت‌کنندگان نبود. تحلیل بیانات نشان داد که بخش دیگر از تعامل و تبادل قدرت بین شرکت‌کنندگان، مبتنی بر دلبستگی، عشق و احترام بوده است. زنان و مردان گاهی به دلیل علاقه، تعهد و دلبستگی و آفری که به همسر خود دارند، قدرت را در اختیار وی قرار می‌دهند. در نتیجه به نظر می‌رسد رقص و آمیختگی این دو الگو، سبب شکل‌گیری مقوله محوری ادراک شرکت‌کنندگان از قدرت حاکم بر روابط زناشویی باشد. در (شکل ۱) مقوله‌های ادراک قدرت زوجین، به صورت یکپارچه قابل مشاهده است.

ایده‌آل آن‌ها ندارد. همین باور پذیرش را برایشان دشوار می‌کرد و منجر به بروز طیفی از کنش‌های مخرب در آن‌ها شده بود. چند مثال:

«ما مقایسه کردن و سرزنش کردن خیلی داریم مثلاً می‌گه همیشه به بالا دستت نگاه کن، یا مثلاً می‌گه داداشتو نگاه کن که چه جور زندگی می‌کنه یا فلانو نگاه کن؛ یعنی اصلاً در هفته امکان نداره یه بار این رو نگه. کلاً این سرزنش، این مقایسه خیلی بده... بعد یه خواسته‌هایی که نمی‌تونم به من می‌گن بی‌عرضه‌ای، یه ساله عرضه نداری یه ماشین لباسشویی بخری، یه یخچال عوض کنی».

«شده گاهی گفته بریم مسافرت من گفتم نه. یه خورده اولش ناراحت شده، گفته باشه پس منم فلان جا نمیام، شده این جور».

«من کلاً یه اخلاقی دارم که وقتی یه همچین مسائلی پیش بیاد ممکنه حتی دو روز اخم داشته باشم و اصلاً صحبت نکنم، حتی تو جمع خانواده نباشم، این مورد بوده تو زندگی».

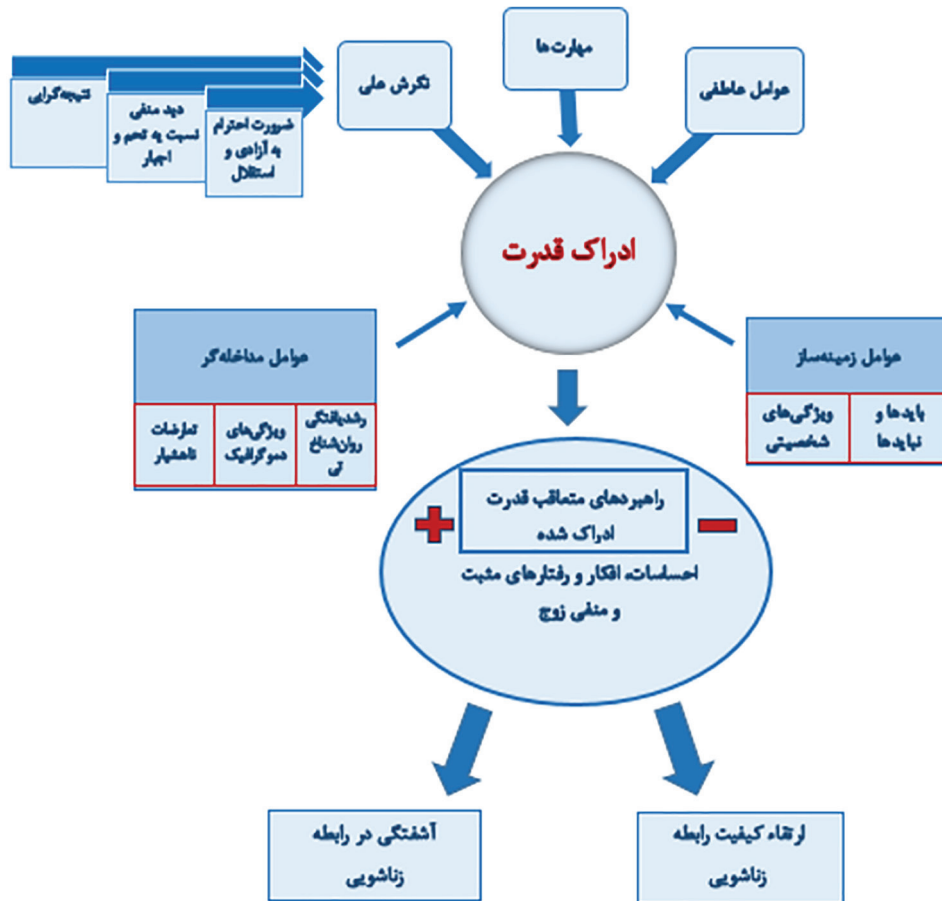
برای برخی از مصاحبه‌شوندگان الگوی قدرت حاکم بر روابط زناشویی مورد پذیرش بود و نسبت به آن احساس رضایت داشتند و به تبع آن کنش‌های سازنده و مثبتی نظیر گفتگوی درونی خودم‌تقاعدساز و دلجویی و قدردانی از همسر را اجرا می‌کردند. دو مورد به عنوان نمونه:

«اگه تخصص ایشون باشه من کوتاه اومده باشم، خب به هر حال ناراحت می‌شم از اینکه حالا نظرم پذیرفته نشده، ولی خب ناراحتی هستش که بعد از یه مدت از بین میره دیگه؛ یعنی طولانی‌مدت نیستش، خودمو متقاعد می‌کنم که ببین حرفش درست و منطقیه، حالا درسته که حرف تو نشده، ولی حرف درست و منطقی بوده. مثل اون موقع نیستش که خیلی ناراحت می‌شدم».

«حالا یا یه دل‌جویی می‌شم از طرف خانمم یا مثلاً حالا میاد صحبتی می‌کنه و من این مسئله برا من تموم می‌شه».

پیامدهای به دست آمده از مصاحبه مشارکت‌کنندگان در رابطه با ادراک قدرت در زوجین در دو مقوله اصلی آشفستگی در روابط زناشویی و ارتقای کیفیت رابطه زناشویی جای گرفت که شامل زیرمقوله‌های تعارض و سردی عاطفی، واماندگی، همسازی و آرامش‌گیری گردید:

تعارض و سردی عاطفی، چندین بار توسط زوجین در مصاحبه‌ها بیان شد. مثلاً «نه من راضی نیستم و



شکل ۱. نمودار یکپارچه‌سازی مقوله‌های ادراک قدرت در رابطه زناشویی

بحث

پژوهش حاضر به تبیین مفهوم ادراک قدرت در رابطه زناشویی و ارائه مدل نظری پرداخته است. بر اساس یافته‌های به دست آمده مفاهیم تشکیل‌دهنده ادراک قدرت در زوجین، شامل بسندگی شخصی، نگرش‌های علی، بایدها و نبایدها، ویژگی‌های شخصیتی و دموگرافیک، بالندگی و موانع نامرئی بالندگی و راهبردهای متعاقب قدرت ادراک‌شده بود که می‌توان آن‌ها را به عوامل فردی و درون‌روانی و عوامل بین‌فردی، فرهنگی و اجتماعی تقسیم نمود که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر ادراک قدرت و نحوه رفتار زن و مرد در روابط زناشویی اثر می‌گذارند.

بسندگی شخصی اولین مفهومی است که در ادراک قدرت زوجین معرفی می‌شود که عوامل عاطفی، مهارت‌های درون‌فردی و بین‌فردی را در بر می‌گیرد. این مقوله به‌طور عمده به وجود ویژگی‌هایی در افراد اشاره دارد که در حین رابطه به افراد و همسرانشان در جهت نوع خاصی از ادراک قدرت کمک می‌کند.

در ابتدا می‌توان به عوامل عاطفی شامل مورد عشق واقع شدن، نوازشگری عاطفی و احترام میان همسران

اشاره کرد که با توزیع مناسب قدرت در ساختار خانواده و رضایت زوجین از قدرت ادراکی‌شان در ارتباط است. همسو با یافته‌های به دست آمده در این مطالعه، نتایج مطالعه برینول^{۱۰} و همکاران مشخص کرد که نحوه ادراک قدرت با تعاملات بین فردی مرتبط است (۱۰). همچنین یافته پژوهش قادری و همکاران رشد شخصی را مرتبط با ادراک قدرت تبیین کرد (۳۰). علاوه‌براین، نتایج پژوهش پلگ کریات^{۱۱} و همکاران و همچنین کیلای^{۱۲} و همکاران بر شاخصه‌های رشد فردی و میان فردی که بر ادراک قدرت مؤثر است، تأکید می‌کنند (۱۳ و ۱۷). در مقابل این شواهد گروسی^{۱۳} نقش قالب جنسی مرد را صرفاً بر درک قدرت تعیین کننده می‌داند و در مقابل، اثرگذاری عواملی که دخیل بر رشد فردی و بین فردی افراد هستند را رد می‌کند (۳۱).

همچنین مفهوم نگرش‌های علی با مفاهیم اولیه نتیجه‌گرایی، دید منفی نسبت به تحکم و اجبار و ضرورت احترام به آزادی و استقلال عاملی مؤثر در ادراک قدرت زنان و مردان بود. از نظر زوجین بازدهی

10. Briñol

11. Peleg-Koriat

12. Kilai

13. Grossi

در رابطه با شرایط زمینه‌ای ادراک قدرت، ویژگی‌های شخصیتی شامل ناپختگی و استواری بود (۳۳). از طرفی وجود استواری در ویژگی‌های شخصیتی هم می‌تواند ادراک قدرت زوجین را تحت تأثیر قرار دهد (۳۴). اطمینان به خود و مسئولیت‌پذیری می‌تواند منجر به نوعی انتظار برای داشتن قدرت بیشتر شود و ویژگی حمایت‌پذیری، این اجازه را به همسر می‌دهد که در راستای حمایت کردن، از قدرت بیشتری برخوردار باشد. نتایج پژوهش لزنینا^{۱۴} با یافته‌های به دست آمده در رابطه با شرایط زمینه‌ای ادراک قدرت زوجین، همسو بوده و در آن به نقش فرهنگ و خانواده و ویژگی‌های شخصیتی بر ادراک قدرت زوجین تأکید شده است (۳۵)؛ بنابراین می‌توان گفت ادراک قدرت برای زوجین برگرفته از ویژگی‌های شخصیتی، خانواده و فرهنگ به ترتیب در مراتب فردی، بین فردی و اجتماعی اتفاق می‌افتد.

شرایط مداخله‌گر را شرایطی گویند که تخفیف دهنده عوامل مؤثر بر ادراک قدرت هستند و پیامد کنترل یا عدم کنترل آن‌ها بر راهبردها تأثیرگذار هستند. دو مقوله شناسایی شده بالندگی و تعارضات ناهشیار به‌عنوان شرایط مداخله‌گر در رابطه با ادراک قدرت هستند که در چارچوب رابطه زناشویی به دست آمده است. می‌توان گفت این مفاهیم از عدم ثبات شناختی، هیجانی و رفتاری نشئت می‌گیرد که فرد را در موقعیت‌های متعارض، دچار نوعی سردرگمی می‌کند (۳۳). با توجه به یافته‌های به دست آمده در رابطه با شرایط مداخله‌گر ادراک قدرت از نگاه زوجین، نتایج پژوهش حسین‌خانزاده و همکاران همسو با نتایج عوامل بالندگی نظیر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی است (۳۲). بدین ترتیب می‌توان گفت وجود نگاه سیستمی در فهم عوامل تسهیل‌گر و مداخله‌گر ادراک قدرت زوجین کمک می‌کند و موجب می‌شود تا علاوه بر فهم دلایل پیدا، دلایل نهانی هم که رفتارهای قدرت‌طلبانه را شکل می‌دهد، مشخص شود (۳۶).

راهبردهای متعاقب قدرت ادراک شده به‌عنوان راهبردهای ادراک قدرت به دست آمده است که شامل کنش‌های مخرب و کنش‌های سازنده است. کنش‌های مخرب به‌عنوان راهبردی واکنشی در مقابل قدرت ادراک شده غیر رضایت‌بخش به کار گرفته می‌شود. افرادی که به دنبال کسب قدرت مدنظر خود هستند برای برطرف کردن احساس حقارت و کسب عزت‌نفس، روی به انجام کنش‌های مخرب می‌آورند. این افراد با داشتن باورهای غیرمنطقی که نشان از کناره‌گیری و

عملکرد و به نتیجه رسیدن تصمیم، گویای نقش عاملیت فرد صاحب قدرت است. به‌بیان‌دیگر، یکی از علل مهم ادراک زوجین از قدرت، توجه به خروجی وقایع و تصمیمات زناشویی است.

دید منفی نسبت به تحکم و اجبار از دیگر موارد جای گرفته در عوامل مؤثر بر ادراک قدرت است. اگر طرفین رابطه به آزادی شخصی و استقلال یکدیگر در امور مختلف همچون امور تحصیلی و اقتصادی احترام بگذارند، در بعد فردی و بین‌فردی آن‌ها رشد اتفاق می‌افتد و همین امر موجب رضایت آن‌ها از خود، همسر و رابطه می‌شود. علاوه بر این حتی اگر یکی از طرفین حس کند که در بافت رابطه زناشویی از قدرت کمتری برخوردار است، اما به آزادی و استقلال شخصی او احترام گذاشته می‌شود، از الگوی توزیع قدرت در ساختار خانواده رضایت خواهد داشت و می‌تواند طرف مقابلش را راحت‌تر بپذیرد.

در این پژوهش مقوله‌های بایدها و نبایدها از قبیل فرهنگ و خانواده و مقوله ویژگی‌های شخصیتی که شامل ناپختگی و استواری بود به‌عنوان شرایط زمینه‌ای ادراک قدرت زن‌ها و مردها در نظر گرفته شد. درواقع هنجارهای موجود در فرهنگ یک خانواده و جامعه به‌عنوان زیربنای مهمی برای برگزیدن مؤلفه‌های موجود در بایدها و نبایدها شمرده می‌شوند. از طرفی جهان اجتماعی، افراد را به دو دسته کلی زن و مرد تقسیم‌بندی کرده و به آن‌ها درباره داشتن انتظارات گوناگون از زندگی و نقش‌های متفاوت آموزش داده است و از سویی دیگر، در ساختار خانواده، بایدها و نبایدهایی وجود دارد که در مراتب مختلف نقش‌های زن و شوهری برقرار می‌شود و برگرفته از فرهنگی است که شخصیت افراد در آن شکل گرفته است. می‌توان گفت فرهنگ معرف بسیاری از نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه است که می‌تواند زمینه‌ساز میل به قدرت‌طلبی بر اساس جنسیت یا همان جنسیت‌سالاری باشد (۱۹).

از طرفی، اینکه فرد در چه محیط خانوادگی رشد کرده باشد، چه الگوی قدرتی را در محیط‌های قبلی مشاهده یا تجربه کرده و سطح رقابت بین دو جنس برای کسب قدرت در محیط خانواده‌اش چگونه بوده است، در نوع کنش وی نسبت به الگوی قدرت ادراکی در رابطه زناشویی اثر خواهد داشت (۳۲). در واقع، هر یک از زوجین ممکن است با نگاه متفاوتی به موضوع قدرت وارد زندگی مشترک شوند که بر تجربه آن‌ها از ادراک قدرت مؤثر باشد. دیگر مقوله یافت شده

14. Lezhnina

و همکاران در راستای نتایج به دست آمده، ارتقای کیفیت روابط زناشویی را پیامد پذیرش و رضایت از ادراک قدرت زناشویی می‌دانند (۳۹). همان‌طور که کرنر و شویتز^{۱۸} در پژوهش خود به اهمیت بیشتر تأثیر ادراک قدرت نسبت به تعادل و توازن قدرت در رضایت از رابطه اشاره نمودند (۳۷).

همچنین تحلیل فرایندی ادراک قدرت در رابطه زوجین ایرانی مبتنی بر مفهوم زمان شکل گرفته است. در واقع زوجین در بستر زمان، ادراک متفاوتی از قدرت خود و همسرشان داشته‌اند و به تبع آن واکنش‌های متفاوتی از خود نشان داده‌اند. از جمله مواردی که در بستر زمان دستخوش تغییر می‌شود و باید آن را با در نظر داشتن فرایند زمانی بنگریم، مهارت‌های درون‌فردی است. افراد در طول زمان، ویژگی‌هایی نظیر خبرگی و آزمودگی، دانش و تخصص و گردانندگی و مدیریت را در خود رشد داده‌اند و این عامل سبب شده که از کنش‌های سازنده‌تری نیز استفاده کند و طرف مقابل نیز، به راحتی قدرت وی را پذیرفته و از این موضوع نیز رضایت داشته باشد. گذر زمان توانسته توزیع قدرت میان زوجین و ادراک آن‌ها از قدرتمندی خودشان و همسرانشان را در زمینه‌هایی که با رشد و بالندگی مهارت‌های فردی همراه بوده است تغییر دهد (۴۰).

از طرفی آمیختگی دو مفهوم قدرت موقعیتی و دلبستگی، سبب شکل‌گیری الگوی ادراک قدرت حاکم بر روابط زناشویی شد که تمامی مفاهیم دیگر، در مواجهه با آن به‌عنوان عوامل زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردی و پیامدی شکل و معنا می‌یابند. آمیختگی قدرت موقعیتی-دلبستگی، الگوی قدرت حاکم بر رابطه زناشویی شرکت‌کنندگان است که مدل ادراک قدرت از دیدگاه این گروه، حول آن شکل گرفته و تکامل یافته است. قدرتی که تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل گرفته و بسته به میزان پذیرش آن توسط زوجین و رضایت قلبی از آن، کنش‌های سازنده یا مخرب و نهایتاً پیامدهای مثبت و منفی به دنبال دارد. بر این اساس برخی از زوجین ناهم‌سویی قدرت ادراکی با قدرت ایده‌آل و کنش‌های مخرب ناشی از آن را تجربه می‌کنند که منجر به بروز پیامدهای مخربی مانند تعارض و سردی عاطفی و واماندگی (آشفتگی در رابطه زناشویی) می‌گردد. از سویی دیگر، گروهی از زوجین نیز قدرت موقعیتی - دلبستگی با قدرت ایده‌آلشان متناسب است و از این‌رو پیامدهای مثبت همسازی و آرامش‌گیری (ارتقای کیفیت رابطه زناشویی) را تجربه می‌کنند.

اعمال زور است به دنبال کسب قدرت هستند (۳۷). در رابطه با کنش‌های سازنده به‌عنوان دیگر راهبرد متعاقب قدرت ادراک شده می‌توان گفت که افراد با ایجاد فضایی پویا، شاد و آرام‌بخش با حفظ مرزهای متعادل خانواده به انجام رفتارهایی می‌پردازند که راهبردی سازنده در ادراک قدرت است (۳۸). کنش‌های سازنده باعث می‌شود عبور از مراحل زندگی و چالش‌ها به‌طور طبیعی اتفاق بیافتد. باتوجه به یافته‌های به دست آمده در رابطه با راهبردهای ادراک قدرت از نگاه زوجین، نتایج پژوهش گروسی همسو با نتایج به دست آمده بر نقش کنش‌های سازنده و مخرب در کیفیت رابطه زناشویی و اعمال قدرت تأکید کرد (۳۱). برخلاف نتایج به دست آمده، نتایج پژوهش ما^{۱۵} به اثرگذار نبودن کنش‌های سازنده و مخرب بر کیفیت رابطه زوجین اشاره می‌کند (۲۷). کنش‌های سازنده و مخرب راهبردهایی مثبت و منفی هستند که در صورت عملیاتی شدن هر یک از آن‌ها در ساختار خانواده، جهت‌گیری و آینده خانواده تعیین می‌شود. در صورتی که کنش‌های سازنده قالب رابطه زناشویی باشد، در فرایند ادراک قدرت طرفین رابطه، پذیرش و همراهی رخ می‌دهد؛ اما اگر کنش‌های مخرب به‌کارگرفته شود طرفین رابطه با تعارض و آسیب روبه‌رو می‌شوند.

در نهایت مقوله آشفتگی در روابط زناشویی شامل تعارض و سردی عاطفی و واماندگی و مقوله ارتقای کیفیت روابط زناشویی شامل همسازی و آرامش‌گیری به‌عنوان پیامدهای ادراک قدرت به دست آمده است. آشفتگی‌های زناشویی برای کسب قدرت معمولاً زمانی به وجود می‌آید که زوجها در زمینه همکاری و تصمیم‌گیری‌های مشترک درجات متفاوتی از استقلال و همبستگی داشته باشند. ارتقای کیفیت روابط زناشویی دیگر پیامدی است که در رابطه با مسئله ادراک قدرت مطرح است. ارتقا کیفیت روابط زناشویی، یک فرایند متقابل و تعاملی است و محور این فرایند شناخت، درک، پذیرش، همدلی با احساسات فرد دیگر، قدردانی یا پذیرش دیدگاه منحصربه‌فرد سایر افراد است که در این شرایط پیامدهای ادراک قدرت و کنش‌های سازنده متعاقب آن نمایان می‌شود. نتایج پژوهش سیتز و نلسون^{۱۶} همسو با نتایج به دست آمده در رابطه با آشفتگی روابط زناشویی به‌عنوان پیامد عدم توزیع مناسب قدرت و ادراک آن در رابطه زناشویی است (۳۶). همچنین نتایج پژوهش کولیک^{۱۷}

15. Ma

16. Seiter & Nelson

17. Kulic

18. Korner & Schutz

محدودیت‌های پژوهش

برای ارتقای کیفیت زندگی زوجین درگیر اختلافات زناشویی، اقدام نمود.

نتیجه‌گیری

باتوجه به بحث‌های انجام شده، ادراک قدرت در روابط زناشویی از ترکیب عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی، درون فردی و بین فردی نشئت می‌گیرد و می‌توان ادعا کرد که با بهره‌گیری از یک نگاه سیستمی، امکان فهم دقیق‌تری از مسئله ادراک قدرت فراهم می‌گردد. ویژگی‌های شخصیتی افراد که در بستر جامعه و خانواده شکل می‌گیرد، هم در نقش بستر و زمینه‌ساز و هم مداخله‌گر، سهم زیادی از نحوه ادراک قدرت را به خود اختصاص می‌دهد. وجود ویژگی‌های شخصیتی بالنده و غیربالنده در دو طیف مثبت و منفی به اشکال مختلف می‌تواند بر درک قدرت اثرگذار باشد، از یافته‌های این مطالعه مفاهیم دیگری همچون بالندگی و تعارضات ناهشیار به‌عنوان عوامل مداخله‌گر و تسهیل‌گر، استخراج گردید که در بررسی پژوهش‌های موجود بدین شکل، به آن‌ها اشاره نشده بود. ارتقای کیفیت زندگی و آسفتگی در روابط زناشویی دو مفهومی بود که در بستر پیامدهای ادراک از قدرت به دست آمد.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از کلیه عزیزانی که با رضایت و صبوری حاضر به انجام مصاحبه شدند، تشکر و قدردانی می‌شود.

تضاد منافع

هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

انجام مصاحبه‌ها به صورت همزمان با زن و شوهر، احتمال عدم بیان برخی تجارب را از طرف شرکت‌کنندگان مطرح می‌سازد. ضمن اینکه به نظر می‌رسد، قدرت موضوعی چالش‌برانگیز است و گفتگو در مورد آن در بستر رابطه زوجی حتی به صورت فردی با دشواری همراه است؛ چرا که برخی زوجین از صحبت مستقیم در مورد آن سرباز می‌زدند.

با توجه به شرایط دشوار هماهنگی زمان مصاحبه با زوجین و نگرانی مشارکت‌کنندگان از شیوع ویروس کووید-۱۹ جهت مراجعه به مراکز مشاوره، مصاحبه‌ها به صورت آنلاین برگزار گردید که این موضوع احتمالاً پژوهشگر را از برخی اطلاعات که می‌تواند به صورت غیرکلامی حاصل شود، محروم کرده است.

با وجود نمونه‌گیری هدفمند و نظری و تلاش بر داشتن حد اکثر گوناگونی در مشارکت‌کنندگان، به سبب تنوع فرهنگی موجود در کشور ایران، در پژوهش حاضر به این تفاوت‌های فرهنگی درون جمعیت ایرانی پرداخته نشده است.

پیشنهادات پژوهش

پیشنهاد می‌شود که یافته‌های پژوهش حاضر در دو سطح نظری و عملی به کار گرفته شود. با دانش نظری به دست آمده از این پژوهش، می‌توان به روند سازگاری زوجین کمک کرد. آگاهی از پیش‌آمدها و فرایندهای احتمالی زندگی مشترک می‌تواند به پیش‌بینی پذیر بودن برخی از اتفاقات برای آن‌ها و در نتیجه کنترل برخی از پیامدها، خصوصاً در حیطه روانی و اجتماعی مؤثر باشد. در حیطه دانش کاربردی نیز با استفاده از یافته‌های این پژوهش، می‌توان به طراحی بسته‌های بازتوانی و مداخلات بالینی کارآمد

منابع

1. Champagne ER, Muise A. Responsiveness and Relationship Satisfaction in Couples Coping With Parkinson's Disease: A Pilot Study. *Psychol Rep.* 2022;125(2):804-21.
2. Muruthi BA, Young SS, Chou J, Janes E, Ibrahim M. "We pray as a family": The role of religion for resettled Karen refugees. *Journal of Family Issues.* 2020;41(10):1723-41.
3. Cherniak AD, Mikulincer M, Shaver PR, Granqvist P. Attachment theory and religion. *Curr Opin Psychol.* 2021;40:126-30.
4. Cox RB, Brosi M, Spencer T, Masri K. Hope, stress, and post-divorce child adjustment: Development and evaluation of the co-parenting for resilience program. *Journal of Divorce & Remarriage.* 2021;62(2):144-63.
5. Kim JJ, Visserman ML, Impett EA. Power in close intimate relationships. Power in close relationships. 2019:192-224.
6. Leonhardt ND, Willoughby BJ, Dyer WJ, Carroll JS. Longitudinal influence of shared marital power on marital quality and attachment security. *J Fam Psychol.* 2020;34(1):1-11.

7. Rosler N, Hameiri B, Bar-Tal D, Christophe D, Azaria-Tamir S. Current and future costs of intractable conflicts—can they create attitude change? *Frontiers in Psychology*. 2021;12:681883.
8. Boonstra WJ. Conceptualizing power to study social-ecological interactions. *Ecology and Society*. 2016;21(1).
9. Coleman DH, Straus MA. Marital power, conflict, and violence in a nationally representative sample of American couples. *Physical violence in American families: Routledge*; 2017. p. 287-304.
10. Briñol P, Petty RE, Durso GR, Rucker DD. Power and persuasion: Processes by which perceived power can influence evaluative judgments. *Review of General Psychology*. 2017;21(3):223-41.
11. Feldman A, Gill RD. Power dynamics in supreme court oral arguments: The relationship between gender and justice-to-justice interruptions. *Justice System Journal*. 2019;40(3):173-95.
12. Eisen DB, Yamashita L. Borrowing from femininity: The caring man, hybrid masculinities, and maintaining male dominance. *Men and Masculinities*. 2019;22(5):801-20.
13. Peleg-Koriat I, Weimann-Saks D, Ben-Ari R. The relationship between power perception and couple's conflict management strategy. *Journal of couple & relationship therapy*. 2018;17(3):227-49.
14. Sturm RE, Antonakis J. Interpersonal power: A review, critique, and research agenda. *Journal of Management*. 2015;41(1):136-63.
15. Shil NC, Chowdhury A. A qualitative narrative on the practices of transparency and accountability at local government institutions: The case of a Union Parishad in Bangladesh. *Local Administration Journal*. 2023;16(2):151-76.
16. Park S, Kim S-H. The power of family and community factors in predicting dating violence: A meta-analysis. *Aggression and Violent Behavior*. 2018;40:19-28.
17. Kilai M, Waititu GA, Kibira WA, Alshanbari HM, El-Morshedy M. A new generalization of Gull Alpha Power Family of distributions with application to modeling COVID-19 mortality rates. *Results Phys*. 2022;36:105339.
18. Allen KR, Henderson AC. Family theorizing for social justice: A critical praxis. *Journal of Family Theory & Review*. 2022;14(3):364-83.
19. Davoodi Z, Fatehizade M, Ahmadi A, Jazayeri R. Culture and power: How do culture and power influence Iranian couples. *Journal of Couple & Relationship Therapy*. 2019;18(4):353-65.
20. Ahmadi Y, Aghaei M. Sociological study of the effect of the value system and power structure in the family on social deviations (case study: urban marginal settlements of Nayser, Sanandaj). *Urban Sociological Studies*. 2016;7(24):1-30. [In Persian].
21. Kim JJ, Visserman ML, Impett EA. Power in close intimate relationships. *Power in close relationships*. 2019:192-224.
22. Overall NC, Hammond MD, McNulty JK, Finkel EJ. When power shapes interpersonal behavior: Low relationship power predicts men's aggressive responses to low situational power. *J Pers Soc Psychol*. 2016;111(2):195-217.
23. Halloran EC. The role of marital power in depression and marital distress. *American Journal of Family Therapy*. 1998;26(1):3-14.
24. Zarei Tophaneh, M. Janbozuri, M. Ahmadi, M. The relationship between the power structure of the original family and the power structure of the current family and its performance. *Psycholog Relig*. 2016;10(39):121-36. [In Persian].
25. Jan Bozorgi, M. The effect of spiritual systemic family therapy on marital satisfaction and family activity (the model of love and power). *Islamic Journal of Women and Family (former Tahura)*. 2015;4(6):9-38. [In Persian].
26. Alaedini Z, Moeeni S, Kajbaf MB. Effects of affective and cognitive empathy induction on couples' behavior and outcomes in conflicts. *Contemporary Psychology, Biannual Journal of the Iranian Psychological Association*. 2019;13(2):130-9. [In Persian].
27. Ma X. Impact of the intra-household bargaining power gap on the happiness of married women in China. *International Journal of Happiness and Development*. 2020;6(2):113-42.
28. Breznsnyak M, Whisman MA. Sexual desire and relationship functioning: the effects of marital satisfaction and power. *J Sex Marital Ther*. 2004;30(3):199-217.
29. Corbin J, Strauss A. Basics of qualitative research: Techniques and procedures

- for developing grounded theory: Sage publications; 2014.
30. Ghaderi F, Namdari K, Ghobadi S, Shokroolahi M. The structural relationship of meaning in life, personal growth initiative, life orientation and wisdom with authentic personality in students. *Cogn Psychol Psychiat*. 2018;6(5):56-71. [In Persian].
 31. Grossi S. Investigating the power structure in the families of Kerman city. *Social Psychological Studies of Women*. 2007;6(17):7-26. [In Persian].
 32. Hosseinkhanzadeh AA, Bagheri Sheykhangafshe F, Seyyed Noori SZ, Tohidi Moghadam M, Vakilian M. The Role of Premarital Education and Counseling on the Formation of a Positive Attitude Towards Marriage and Marital Success from the Perspective of Youth and Family Counselors. *Family Counseling and Psychotherapy*. 2023;12(2):37-62.
 33. Pietromonaco PR, Overall NC, Beck LA, Powers SI. Is Low Power Associated with Submission During Marital Conflict? Moderating Roles of Gender and Traditional Gender Role Beliefs. *Soc Psychol Personal Sci*. 2021;12(2):165-75. [In Persian].
 34. Borhart HM, Terrell HK. Perceptions of aggression are colored by gender roles. *The Psychological Record*. 2014;64:441-5.
 35. Lezhnina IP. The transformation of gender roles in today's Russia. *Sociological Research*. 2014;53(5):13-31.
 36. Seiter LN, Nelson LJ. An examination of emerging adulthood in college students and nonstudents in India. *Journal of Adolescent Research*. 2011;26(4):506-36.
 37. Körner R, Schütz A. Power in romantic relationships: How positional and experienced power are associated with relationship quality. *Journal of Social and Personal Relationships*. 2021;38(9):2653-77.
 38. Apostu I. Solidarity and individualism in the gender relations—the dilemma of the power relations within the contemporary couple. *BRAIN Broad Research in Artificial Intelligence and Neuroscience*. 2023;14(2):321-36.
 39. Kulic N, Minello A, Zella S. Manage your money, be satisfied? Money management practices and financial satisfaction of couples through the lens of gender. *Journal of Family Issues*. 2020;41(9):1420-46.
 40. Liu L, Gou Z, Zuo J. Social support mediates loneliness and depression in elderly people. *J Health Psychol*. 2016;21(5):750-8.